

## دعای وداع ماه مبارک رمضان



### رمضان

چه زیبا بود آن لحظات قدسی که اهالی لاهوت غنچه غنچه اجابت را بر زمین خشکیده دستهای لرزان ناسوتیان می کاشتند و زمزمه العفو در ماندگان خاک با ربناي قدسیان افلاک درهم گره می خورد و در بارگاه احدي اعتبار می یافت.

### رمضان

بار بستنی و رفتی و کریمانه بر سفره عیدمان نشاندی  
عیدی آنچه بزرگ که برای آخرین فرستاده آسمان و محبوب اهالی هر دو جهان گنج و شرافت و کرامت و افزونی است .  
چه آمدنی ؟ و چه رفتنی ؟  
خرامان آمدی و شتابان رفتی  
یاقران رسیدی و باعالي (ع) بازگشتی  
قدر و درد را به یکجا امانت دار بودی  
قدر تو در نزول آیات ربانی و درد تو در سکوت شکوهمند و وداع غریبانه علي (ع) با گلهاي کونر نشان فاطمي (س) بود.  
از پیشگاه رب الارباب بقا و استمرار ساعات و لحظه های ثابت را بر ایمان ارزو کن و سلام ما را به محضر قطب عالم وجود و واسطه غیب و شهود امام یگانه صالحان

مهدی موعود ابلاغ فرما.

**شیخ صدوق رحمه الله علیه برای وداع ماه مبارک رمضان دعائی ذکر کرده که می گوید: ابو بصیر از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده که حضرت فرمود: «تقول فی وداع شهر رمضان»**

«اللهم انک قلت فی کتابک المنزل علی نبيک المرسل و قولک الحق شهر رمضان الذی انزل فيه القرآن هدی للناس و بینات من الهدی و الفرقان، و هذا شهر رمضان قد انصرم فاسالک بوجهک الکریم، و کلماتک التامات ان کان بقی علی ذنب لم تغفره و ترید ان تحاسبنی به او تعذبنی علیه او تقایسنی به ان یطلع فجر هذه الليلة، او ینصرم هذا الشهر الا و قد غفرته لی یا ارحم الراحمین» (1)

در وداع ماه مبارک بگوئید:

بار پروردگارا تو خود گفتی در کتاب مقدس که بر نبی مرسلت نازل فرموده ای و قول تو حق است که ماه رمضان که در او قرآن نازل شده و مایه هدایت و رستگاری مردم و دلایل آشکار از هدایت و وسیله تشخیص حق از باطل می باشد، اینک ماه رمضان به پایان رسید «و فیوضاتش تا سال آینده از ما قطع شد» پس تقاضا می نمایم از تو به آبروی گرامیت، و کلمات تام و تمامت، اینکه اگر بر من گناهی باقی مانده ( و پاک نشدم) که هنوز آن گناه را نیامرزیدی، و اراده حسابرسی او را داری، یا می خواهی به آن گناه باقیمانده عذابم کنی، و یا به اندازه گناه عقوبت نمائی، تا اینکه طلوع کند فجر این شب، یا پایان پذیرد این ماه مبارک، مگر آنکه آن گناهانم را بیامری و از تقصیرم در گذری، ای مهربانترین مهربانان.

1- من لا یحضره الفقیه، جلد 2، ص